

حرفها توزیع کن بر این قیاس هر یک در قوت ضعفش شناس
 در مخارج و زینت حرفها زان بدقیق گفته شد تا آنها
 تا نواز تجوید قرآن بر خور بهره از حق ترتیلش بر سر
 رویش از تجوید آرایش ده جان دل در خواندن آسایش ده
 ذائقه نفعش در مقام در روان خوانش آب دلال
 آیه قرآن تجوید آمد آن نیست نه تجوید سؤالات زیان
 خوانده شد و صاف تجوید بر تو واجب آمد هم قواعد در مقام
 زانکه تجوید پاک کرد این دست حرف در مخارج چون کما بر جیدست
 دادن بر حرف حقیقت از صفت و زینت مستحقش نه سخت
 رد بر حرف باصل آوردست لفظ در مثلش چو اول بردست
 یعنی هنگام قرأت نطق حرف باصفاش هم خصایص کرده حرف
 و رد و حرف مفتمه باشد آن بار دیگر مثل اول بار خوان
 در مرقق زین قیاسش با دیگر عکس جائز نیست که زیاد گیر
 زانکه

فی هذا الامر مذمومة لفاعله فعليه ان يصبر
 زانکه ترفیق مفتمه نادر است نیز تفخیم مرقق ناسزاست
 غیر اندر الفها و زراعتها عکس جائز نیست نیز از لامها
 ابتدا حکام همه تقصیل باز کوشش کن تا با تو خود هم کرد از
فی بیان التفخیم الیه ترفیقها
 بهره چون از حرف مستفاد بود حرف مستغله زینس واقع شود
 تابع است او نیز در تفخیم او چون اعشوشه اضافت را بگو
 و زینس از و حرف مستفاد است چون اعود الحمد ایاتک را بخوان
 واجب است ترفیق بهره زین مقام هم جدایش گفتن اندر لفظ تمام
 نیز اندر اهدان ترفیق کو **هذه الله لا هم زان بجو**
ترفیق الباء والذم الیه
 حکم باه لام میم باشد همین همچو الله علی الله بین
 هم لنا بوق مرض باشد مثلا واجب است تبیین **ترفیق**
فی وجوب تبیین الباء و الحمیم
 شده جهرت است صفت باو جیم واجب است تبیین اشیا ای سیم
 مثل ربوة حب صبر آمد بیان باشد اجتناب و حج و الفجران
 ناکرد و باو بافا التباس هم نکرد جیم باشین زین قیاس